

چشم انداز همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه انرژی

الدار کاسایف

بر گرفته از ایراس

هرچند ایران و روسیه در زمینه‌های مختلف از جمله در حوزه انرژی با یکدیگر تعاملات مختلفی داشته و برنامه‌هایی نیز برای توسعه همکاری‌ها در این زمینه تدوین کرده‌اند، اما رأی مثبت مسکو به قطعنامه چهارم تحریم علیه تهران از یک سو و فشارهای بی‌وقفه امریکا بر شرکتهای روسی از سوی دیگر، آینده این همکاری‌ها را با ابهام مواجه کرده است. هم از این رو بود که برخی در روسیه، با تأکید بر مزیت‌های ناشی از تعامل با ایران در حوزه انرژی بر مخالفت خود با همراهی کاخ کرملین با کاخ سفید برای تشدید تحریم‌ها علیه تهران تأکید کرده بودند. به تصریح این عده، روسیه برای عملیاتی کردن راهبرد خود در تبدیل شدن به ابرقدرت انرژی باید همکاری و تعامل مستمر با تمام قدرتهای انرژی جهان از جمله ایران را همواره مطمحنظر داشته باشد.

مقدمه

با عنایت به ناخرسندی‌های ایجاد شده اخیر در روابط دو جانبه ایران و روسیه و به ویژه رأی مثبت روسیه به قطعنامه چهارم تحریم علیه ایران، منافع بازرگانی مسکو در ایران به نحوس ملموسی می‌تواند در معرض خطر قرار بگیرد. با توجه به همکاری‌های دو طرف در زمینه انرژی، این زمینه یکی از حوزه‌های آسیب‌تعمامل آتی بین دو طرف می‌باشد که به ویژه با عنایت به جاری شدن تحریم‌ها از یک سو و فشارهای امریکا بر شرکتهای روسی از سوی دیگر دورنگای مثبتی برای آن متصور نیست. بهار سال جاری عبدالحسین بیات، معاون وزیر نفت و مدیر شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران در خصوص برنامه‌های توسعه‌ای تهران در حوزه انرژی تصریح

کرد که با وجود تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال شده، خلال برنامه پنج ساله توسعه کشور (سال‌های 2010-2015) 66 پروژه در زمینه پتروشیمی در ایران اجرا خواهد شد.

به گفته این مقام ایرانی در صورت اجرای این پروژه‌ها حجم تولید محصولات پتروشیمی به 100 میلیون تن خواهد رسید و تا پایان سال 2025 بالغ بر 126 میلیون تن در سال خواهد شد. اما واقعیت‌های گواه آن است که اقتصاد ایران برای رسیدن به این هدف به سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیازمند است. جالب توجه است که طرف روس مدتی قبل از این اظهارات آقای بیات، علاقه‌مندی خود را به سرمایه‌گذاری در توسعه این بخش اقتصاد ایران ابراز کرده بود.

واقعیت و چشم انداز

در ماه آوریل ابتدا سرگئی کودریاشوف، معاون وزیر انرژی روسیه به تهران سفر کرد تا با سیدالله جشن‌ساز، هم‌تای ایرانی خود درباره «نقشه راه» همکاری‌های دوجانبه در زمینه نفت و گاز گفتگو کند و سپس هیأت نمایندگی دیگر روسی برای انجام مذاکرات درباره سرمایه‌گذاری در مجتمع پتروشیمی عسلویه از ایران دیدار به عمل آورد. همکاری با تهران در بخش انرژی و نیز در زمینه ایجاد کریدورها برای انتقال مواد خام هیدروکربنی به دو علت برای روسیه مقرون به صرفه است. اولاً، مواضع و نفوذ مسکو در آسیای مرکزی و جنوبی و نیز در خاور نزدیک و مرکزی تقویت می‌شود. ثانیاً، این همکاری باعث تثبیت اوضاع این مناطق می‌شود.

در حال حاضر نیروگاه اتمی بوشهر، بزرگترین پروژه روسی - ایرانی است. در فوریه سال 2009 سرگئی کری‌ینکو، رئیس آژانس انرژی اتمی «روس‌اتم» در حین سفر خود به تهران با طرف ایرانی درباره مواعید راه‌اندازی فیزیکی نیروگاه در ماه‌های اکتبر - نوامبر و آغاز بهره‌برداری از آن در دسامبر سال

2009 گفتگوهاي انجام داد. انعقاد قرارداد درباره صدور سوخت هسته‌اي از روسيه به ايران و تشكيل شركت مشترك براي بهره‌برداري از نيروگاه بوشهر از جمله موضوعات ديگر آن مذاكرات بود. در مارس 2010 ولاديير پوتين نخست وزير روسيه وعده داد كه مسكو در تابستان سال جاري به ايران براي تكميل نيروگاه بوشهر مساعدت خواهد كرد. سرگئي لاوروف، وزير امور خارجه روسيه نيز در جريان كنفرانس خبري مشترك خود با هيلاري كلينتون، وزير امور خارجه آمريكا تأكيد كرد كه اجراي اين پروژه در مرحله پاياني قرار دارد.

دورنگاي همكاري ايران و روسيه در حوزه انرژي در سال 2009 خلال سفر سرگئي شماتكو، وزير انرژي روسيه به ايران مذاكراتي ميان وي با غلامحسين نوذري، وزير وقت نفت ايران برگزار شد. اجراي معاملات «سواپ» يعني مبادله گاز تركمني با همان مقدار مواد هيدروكربني كه گازپروم مي‌توانست در جنوب ايران دريافت كند، يكي از موارد مذاكره بود كه به صورت جدي مورد بحث و بررسي قرار گرفت. طرفين همچنين چشم‌انداز مشاركت روسيه و شركت‌هاي روسي در پروژه‌هايي از جمله ساخت تاسيساتي براي مايع كردن گاز طبيعي در ايران، ساخت پالايشگاه در استان گلستان، ساخت خط لوله انتقال نفت از بندر «نكا» واقع در ساحل خزر به بندر جاسك در درياي عمان را مورد بحث و تبادل نظر قرار دادند.

نوذري طي مذاكرات خود با شماتكو تصريح كرد كه طرف ايراني حاضر است پيشنهادهاي شركت‌هاي روسي را در زمينه بهره‌برداري از ميادين جديد نفت و گاز ايران بدون برگزاري مناقصه بررسي كند. همكاري شركت روسي «گازپروم نفت» با شركت ملي نفت ايران در زمينه توسعه ميدان بزرگ «آزادگان جنوبي» كه ذخاير آن معادل 5.7 ميليارد تن نفت برآورد مي‌شود، نيز دورنگاي خوبي دارد. گازپروم، شركت انحصاري گاز روسيه در بازار ايران نيز

بسیار فعال است. در این میان، مشارکت گازپروم در توسعه میدان نفتی و گازی «پارس جنوبی» که دربرگیرنده حدود هشت درصد ذخایر جهانی و نصف ذخایر گاز ایران است (حدود 14 تریلیون متر مکعب) پروژه آینده‌داری برای این شرکت در ایران محسوب می‌شود.

با عنایت به تأخیرهای مکرر طرف روسی در راه‌اندازی نیروگاه بوشهر، احتمال ضعیفی می‌رود که روسیه در آینده نزدیک و میان‌مدت از تهران پیشنهادها دیگری در زمینه انرژی اتمی دریافت کند و به نظر می‌رسد تهران برای توسعه توانمندی‌های خود در این زمینه به دنبال شرکاء دیگری به جز روسیه است. به هر تقدیر، مرور روندها گواه آن است که با وجود تحولات مثبت در زمینه تجارت دوجانبه، همکاری روسیه و ایران در حوزه انرژی مانند سابق زیر تأثیر اوضاع ناپایدار و بی‌ثبات سیاسی و اقتصادی کل منطقه خاورمیانه و به خصوص فشارهای امریکا علیه ایران قرار دارد. با این ملاحظه، تحلیل‌گران بر این باورند که سرمایه‌گذاران روس نباید خطرات جدی مرتبط با تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و احتمال بالقوه حمله نظامی امریکا به سرزمین ایران را نادیده بگیرند.

تحریم‌ها و جنگ

روسیه اعمال تحریم‌های اقتصادی از سوی سازمان ملل علیه ایران را «اجتناب‌ناپذیر» دانسته و با رأی مثبت به قطعنامه چهارم تحریم علیه ایران با این فشارها همراه شده است. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه که آوریل سال جاری در جلسه عمومی مجمع پارلمانی شورای اروپا سخن می‌گفت، در رابطه با ایران اظهار داشت که مسکو از چگونگی واکنش ایران به پیشنهادهاى جامعه جهانی در زمینه تعدیل اوضاع پیرامون برنامه هسته‌ای این کشور نومیسد شده است.

اما همان طور که انتظار می‌رفت شورای امنیت سازمان ملل متحد نتوانست به اتفاق آرا قطعنامه

علیه ایران را تصویب نکرد و موارد تحریم در قطعنامه تصویبی نیز شدت اولیه را نداشت. در این زمینه، روسیه و چین به سان قطعنامه‌های پیشین با استفاده از روش‌ها و فرمول‌های گوناگون دیپلماتیک از پذیرش پیشنهادهای غرب درباره اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران خودداری کردند. موضع‌گیری روسیه در این زمینه عبارت از آن است که نباید از تحریم‌ها برای فشردن گلوئی تهران، تحریک فاجعه انسانی و سرنگونی رژیم حاکم بر این کشور استفاده کرد. به تأکید کرملین، تحریم‌ها علیه تهران، باید فقط هدف تقویت رژیم عمومی عدم اشاعه هسته‌ای را دنبال کند.

ولی این نقطه نظر با برنامه‌های ایالات متحده در قبال ایران که تلاش‌های بسیاری را برای همراه کردن سایر کشورهای برا پیوستن به برنامه تحریم ایران در دستور دارد، در تناقض است. هدف آمریکا این است که دست و پای اقتصاد ایران و به خصوص بخش نفت و گاز را که لکوموتیو توسعه این اقتصاد است، هرچه محکم‌تر ببندد. نامه‌ای که ریچ ورناء، دستیار وزیر امور خارجه آمریکا روز 22 آوریل 2010 تسلیم کنگره آمریکا کرد، هدف اساسی تحریم‌های مورد علاقه واشنگتن را مشخص کرده است. در نامه مذکور آمده؛ «ما نظارت بر همه سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت تولید نفت ایران را استمرار می‌دهیم». در همین زمینه، برخی خبرگزاری‌ها تأکید کرده‌اند که وزارت خارجه آمریکا از شرکت‌های توتال، انی و استات‌اویل تعهد گرفته که روابط خود را با تهران توسعه ندهند.

با این وجود، همان طور که اشاره شد، آمریکا نتوانست اتفاق آرای اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره قطعنامه جدید ضد ایرانی را به دست آورد و در سوی دیگر نیز برخی از مفاد این قطعنامه تخفیف شد. این مسئله به این واسطه بود که تهران یکی از طرف‌های اساسی همکاری بازرگانی مسکو در منطقه و صادر کننده مهم منابع انرژی به پکن است. با این ملاحظه، تصویب قطعنامه

چهارم را نمی‌توان «پیروزی خالص» و اشنگتن دانست، اما اگر در آینده کشورهای دیگر نیز از آمریکا الگو گرفته و محدودیت‌هایی در زمینه روابط بازرگانی و اقتصادی با ایران اعمال کنند، می‌توان گفت که و اشنگتن با کسب امتیازات کافی برنده تقابل با ایران شده است.

باید به این نکته اشاره کرد که در حال حاضر بانک‌های آمریکایی اجرای پرداخت‌ها به حساب یا به سفارش بانک‌ها، شرکت‌ها و اشخاص ایرانی را تا قبل از تعیین جزئیات و اهداف این پرداخت‌ها مسدود می‌کنند. تعدادی از بانک‌های اروپایی هم روابط خود را با نظام بانکی ایرانی محدود کرده‌اند. با این ملاحظه، در حالی که انزوای بین‌المللی تهران از سوی بعضی کشورهای می‌تواند به یک امر واقعی تبدیل شود، حمله نظامی ایالات متحده به ایران به چند علت عینی کمتر قابل تصور است.

1- آمریکا هنوز از «تله هفت ساله عراقی» که به فاجعه بزرگی برای وجه جهانی آمریکا مبدل شده رها نشده است.

2- ضربه به ایران باعث رشد جهشی قیمت‌های جهانی نفت خواهد شد که این امر برای اقتصاد آمریکا مطلوب و مناسب نیست.

3- ایالات متحده مایل نیست اهمیت و نفوذ روسیه در منطقه افزایش یابد، اما اگر جنگ آمریکا با ایران شروع شود، اروپا بیش از پیش به منابع انرژی روسی وابسته خواهد شد.

با عنایت به مطالب بازگفته می‌توان ادعا کرد که همکاری روسیه و ایران در حوزه انرژی بیش از هرچیز به اوضاع جهانی بستگی دارد. در این زمینه باید به این معادله توجه داشت که هرچند از یک سو، نزدیکی جغرافیایی دو کشور عامل ضروری و مصلحتی همکاری اقتصادی آن‌ها محسوب می‌شود، اما از سوی دیگر، چهره «جنگ‌جالی» تهران در جامعه جهانی که با برنامه هسته‌ای آن پیوند دارد، باعث می‌شود که سودآوری و امنیت طرح‌های مشترک مورد تردید قرار گیرد. به این اعتبار، نمی‌توان

انتظار داشت که اوضاع در روابط اقتصادی دو کشور در کوتاه مدت باثبات شده و خطرات ناشی از همکاری کاهش یابد. در این رابطه توقع بر آن است که دولت روسیه در آینده نیز سیاست ماهرانه انرژی و خط «ظریف» دیپلماتیک نسبت به «همسایه دشوار» خود را همچنان دنبال کرده و سعی کند موانع موجود بر سر همکاری با ایران را که باعث احتیاط و خویشتن‌داری سرمایه‌گذاران بالقوه روس در بازار ایران می‌شود، را «دور بزند».

نویسنده: الدار کاسایف، «نی‌زاوی سی مایا گازی‌تا»